Bab Family and The Opium Trade in China during the 19th Century, part 3



قسمت سوم

خاندان زن باب

خانواده خديجه بيگم، زن باب، وضعي مشابه با خانواده فاطمه بيگم، مادر باب، داشت. قباله ازدواج باب و همسرش، به‌تاريخ 18 رجب 1258 ق.، موجود است و، اگر جعلي نباشد، در مقايسه با عقدنامه‌هاي آن عصر، از نظر شيوه نگارش و تذهيب و ميزان مهريه، [42] ثروت خانواده‌هاي عروس و داماد را نشان مي‌دهد. [43]

مادرزن باب، به‌نام **حاجيه بي‌بي**، اهل **جهرم فارس** بود و از خويشان **آقا محمدحسن تاجر بوشهري** پسر حاج عباس بن حاج عبدالرسول بوشهري [44] دو بار ازدواج كرد. ابتدا همسر فردي به‌نام **آقا محمدتقي** فرزند **حاج صالح تاجر شيرازي** بود و از او يک پسر و يک دختر داشت. [45] دختر (خواهر زن باب) به همسري همان حاج ميرزا علي تاجر شيرازي، دايي مياني باب، درآمد و پسر، محمدمهدي متخلص به «حجاب» و معروف به

حاجي حجاب، از اعيان محله بازار مرغ شيراز بود. اين برادر زن باب، مدتي در بمبئي تجارت کرد و سپس در شيراز ساکن شد و به معامله سنگ‌هاي قيمتي پرداخت. [46] ***حاجي حجاب از صوفيان و شاعران سرشناس شهر بود و از پيروان سکوت شيرازي***. فسايي مي‌نويسد:

«از اعيان اين محله [محله بازار مرغ] است افضل بلغاي عصر در انشاء اشعار و ابلغ فصحاي دهر در افشاي اسرار، نادره اهالي، ناظم درّ و لآلي **حاجي محمد مهدي حجاب** تخلص، شاعر تاجر شيرازي، پسر مرحوم آقا محمدتقي تاجر، خلف الصدق مرحوم حاجي محمد صالح تاجر شيرازي. در سال 1224 در شيراز متولد شده، کسب کمالات نموده، پس مقدمات عربيه و ادبيه را بياموخت و مسائل منطق و کلام و حکمت را اخذ نموده بيندوخت، و خط تعليق را چون او کسي ننويسد. **مدت‌ها در بندر بمباي [بمبئي] هندوستان براي تجارت رحل اقامت انداخت و قدري لايق از مال حلال اندوخته، عود به شيراز نموده، از عمل تجارت دست کشيده،** به اندازه گليم قناعت کاران پا را دراز کند و بر سبيل تفنن در **خريد** و **فروش جواهرات قيمتي** مداخلتي نمايد...» [47]

پسرش، آقا محمدتقي، در زمان تدوين فارسنامه ناصري «لغت فارسي و عربي و انگليسي را به وجه کمال اندوخته، **در يکي از مدارس بمباي [بمبئي]** هر روزه جماعتي را از دانسته‌هاي خود بهره‌مند سازد و **در اوقات مخصوص به شغل و عمل تجارت بپردازد** و هنوز در عنفوان جواني باقي است.» [48] رکن‌زاده آدميت بر پيوند «حاجي حجاب» با «**فرقه سکوت**» تصريح مي‌کند:

«**حاج محمّد مهدي شيرازي** [متولد 1224، متوفي 1304 ق.] متخلص به حجاب فرزند محمّدتقي فرزند حاج صالح بازرگان. مدتي به کسب علم و کمال کوشيد تا اين‌که خط تعليق را خوش نوشت و علوم عصر خود را مخصوصاً حکمت الهي نيک آموخت و آنگاه پي سپر طريق عرفان شد و **دست ارادت به ميرزا ابوالقاسم سکوت داد و به تزکيه نفس پرداخت و سير در آفاق را به هندوستان شتافت و پس از سير و کسب علم و معرفت به شيراز برگشت** و چون گنجي در کنج انزوا بيارميد تا سال هزار و سيصد و چهار که نداي ارجعي شنيد و پي سپر عالم باقي شد و در دارالسلام مدفون گشت...» [49]

رکن‌زاده آدميت درباره پسر حاج حجاب مي‌نويسد:

«محمدتقي [متوفي در حوالي سال 1316 ق.] متخلص به سحاب فرزند حاج محمّد مهدي متخلص به حجاب فرزند محمّدتقي فرزند حاج صالح تاجر شيرازي. در شيراز کسب علم و هنر کرده است و به هندوستان رفته و در بمبئي مدرسه‌اي تأسيس و خود تدريس مي‌کرده است. شعاع مي‌نويسد **اشعار زياد داشت که از ميان رفته است** و فرصت مي‌گويد زبان انگليسي را نزد او آموخته‌ام. در مدح امين‌السلطان صدراعظم ايران گفته است: امين سلطان، صدر اجل، وزير اوّل، قوام ملت و دولت مدار حکم دول! به جنس هر هنر از اصل طبع گشته سمر، به نوع هر شرف از اصل ذات گشته مثل، خدايگانا! صدرا! هم از مهابت تو، اسد به چرخ بلرزد ز استماع حمل، به پيش ارض کمالت سپهر يک نقطه، به نزد کوه وقارت زمين چو يک خردل!»

رکن‌زاده آدميت درباره اشعار «سحاب» مي‌نويسد: «نگارنده گويد اگر اشعار صاحب ترجمه همه از قبيل بوده همان بهتر که از ميان رفته است.» [50]

مادرزن باب، **حاجیه بي‌بي**، از شوهر دوّم دو پسر و دو دختر داشت. پسر ارشد، برادر زن بزرگ باب، به‌نام حاج میرزا حسن از سوي میرزا حسینعلي نوري به «افنان کبیر» ملقب شد. عباس افندي در تذکرة الوفا مي‌کوشد او را عالمي بزرگ جلوه دهد. گویا هم‌دوره میرزاي شیرازي در عتبات بود. ***حاج میرزا حسن افنان کبیر*** (متوفي 1310 ق.)، مانند سایر اعضاي خاندان باب، از طریق برادر ناتني‌اش، **حاجي حجاب** که در بمبئي مستقر بود، **در مسیر شیراز- بوشهر- بمبئي تجارت مي‌کرد.** [51]

مهم‌ترین برادر زن باب، نه حاجي حجاب و حاج میرزا حسن افنان کبیر، که **حاج میرزا ابوالقاسم سقاخانه‌اي** است. ***او، مانند حاج میرزا علي تاجر شیرازي، دایي میاني باب، در بلواي بابیه سهم بزرگ داشت و بیهوده نیست که نواده‌اش، شوقي افندي، رهبر فرقه بهایي و نوه‌اش، موقرالدوله، از چهره‌هاي مؤثر بر سیاست ایران در سال‌هاي جنگ اوّل جهاني و عضو دولت کودتاي 3 اسفند 1299 و از گردانندگان اصلي فرقه بهائي شد.***

حاج میرزا ابوالقاسم تاجر شیرازي، معروف به «**سقاخانه‌اي**»، در سال 1305 ق. فوت کرد و، مانند خواهرش، خدیجه بیگم (زن باب)، **در داخل ضریح شاهچراغ (س)** دفن شد. [52] فسایي ذیل «اعیان محله میدان شاه شیراز» درباره او مي‌نویسد:

«و [از] اعیان و اشراف این محله است: سلاله السادات، قدوه اصحاب، عمده اعیان، **حاجي میرزا ابوالقاسم تاجر شیرازي**، خلف غفران مآب حاجي میرزا علي تاجر شیرازي [پدر زن علي‌محمد باب]. در سال 1226 متولد گشته، ***عمل تجارت اجدادي*** [را] اختیار نمود و ***در هر جایي عاملي براي تجارت فرستاد*** و مدتي امور تجارتي را به اولاد خود واگذاشته و در خانه عافیت نشسته است. و او را چهار نفر پسر است: اصالت و نجابت اکتناهان **آقا سید حسین** و **میرزا ابوالحسن** و **میرزا محمود** و **میرزا ابراهیم**. با آن‌که در عنفوان جواني‌اند به درستکاري و درست‌گویي مشهور گشته، ***مایه رواج تجارت تریاک ایران به جانب ممالک چین شده‌اند.*** » [53]

دو برادر بزرگ‌تر ***حاج میرزا ابوالقاسم سقاخانه‌اي***، ***حاج میرزا مهدي تاجر شیرازي (حاجي حجاب)*** و ***حاج میرزا حسن تاجر شیرازي (افنان کبیر)***، در بمبئي مستقر بودند. ***این تجارتخانه، که به سه برادر زن باب تعلق داشت، در پیوند با تجارتخانه سه دایي باب و سایر خویشان «شیرازي» ایشان، مانند نیاکان خاندان‌هاي خلیلي و نمازي و بوشهري، از سال 1288 ق./ 1871 م. صادرکنندگان اصلي تریاک ایران به بنادر چین، از طریق بمبئي، و کارگزار کمپاني‌هاي یهودي- پارسي بمبئي، به رهبري دو خاندان ساسون و جیجي بهاي، بودند. فسایي درباره ایشان درست گفته که «مایه رواج تجارت تریاک ایران به جانب ممالک چین» شدند.***

زن حاج سید ابوالقاسم سقاخانه‌اي، به‌نام صاحب سلطان بیگم، **اهل جهرم** بود و داراي سه دختر و هشت پسر بودند. پسر بزرگ حاج میرزا ابوالقاسم، **میرزا ابراهیم**، ***در بنادر چین مستقر بود***، پسر دومش، **میرزا علي**، در **بندر عباس** شعبه تجارتخانه خانواده را اداره مي‌کرد، و سه پسر دیگر، **میرزا محمود** و **میرزا ابوالحسن** و **میرزا حسین**، در شیراز تجارت مي‌کردند و برخي‌شان، میرزا ابوالحسن، از نزدیکان عباس افندي (عبدالبهاء) در حیفا بودند. [54]

کوچک‌ترین پسر حاج میرزا ابوالقاسم سقاخانه‌اي، به‌نام میرزا حسین، با دختر حاج محمدباقر خلیلي، به‌نام زیور سلطان بیگم، ازدواج کرد. میرزا حسین پدربزرگ شوقي رباني، رهبر فرقه بهایي پس از

عبدالبهاء، است. میرزا حسین دو پسر داشت: میرزا هادي و میرزا رحیم (متوفي 1322 ش. در شیراز). میرزا هادي، که در شیراز و بمبئي تجارت ميکرد، با ضیائیه خانم، دختر عباس افندي، ازدواج کرد. حاصل این ازدواج شوقي افندي است.

«و از اقتران این دو شجره مقدسه رحمانیه یگانه فرع مقدس غصن ممتاز **حضرت شوقي رباني** ولي محبوب امرالله در تاریخ سوّم ماه مارس از سال 1896 متولد گردیدند... و پس از صعود آن حضرت که در ماه نوامبر از سال 1921 واقع گردید، اعلان شد به مقام ولي امر بهائي معرفي گردیدند.» [55]



ردیف اوّل، از راست به چپ:
1- حاج میرزا ضیاء افنان (کودک، ایستاده)، 2- آقا سید آقا افنان (نشسته)، 3- آقا میرزا آقا افنان (نشسته)، 4- احمد یزدي، داماد عبدالبهاء (نشسته)
ردیف دوّم (ایستاده) از راست به چپ:
1- حاج میرزا بزرگ افنان، 2- حاج نیاز (با عمامه و ریش‌سفید)، 3- حاج میرزا حبیب‌الله افنان.

زیور سلطان بیگم خلیلي (افنان)، مادر بزرگ شوقي افندي، که «امة‌الله» خوانده مي‌شد، بیش از هفتاد سال زیست و در حیفا درگذشت و همان‌جا مدفون شد. بدینسان، ***شوقي رباني از تبار سه تن است: حاج میرزا ابوالقاسم سقاخانه‌اي (برادر زن باب)، میرزا حسینعلي نوري (بهاءالله) و حاج محمدباقر خلیلي.***

سید حسین، پدر بزرگ شوقي، به جز دختر حاج محمدباقر خلیلي، زن دیگري به‌نام عصمت خانم (متوفي 1330 ش. در شیراز) داشت و از او داراي یک پسر و یک دختر شد. پسر، به‌نام آقا سید مهدي، با ایران خانم،

از یک خاندان بهائي شیرازي به‌نام ***عندلیب*** ازدواج کرد و دختر، به‌نام قدسیه خانم، همسر دکتر مهدي بدري افنان شد. [56]

حاج میرزا ابوالقاسم سقاخانه‌اي سه دختر نیز داشت: دختر بزرگ زن پسرعمویش، پسر حاج میرزا حسن افنان کبیر، شد. دختر دوم، به‌نام فاطمه سلطان بیگم، با ***آقا محمدحسن تاجر بوشهري*** فرزند حاج عباس بن حاج عبدالرسول بوشهري شد. این آقا محمدحسن تاجر بوشهري به ***میرزا محمدحسن شیرازي*** نیز معروف بود. «این ازدواج از آن جهت واقع شد که سرکار حاجیه بي‌بي والده حرم مبارک و جناب حاجي میرزا ابوالقاسم از اهل جهرم و با مادر آقا محمدحسن نسبت فامیلي و خانوادگي داشته‌اند.» [57] حاصل این وصلت **میرزا علي‌محمد خان موقرالدوله بالیوزي**، **میرزا احمد خان مسعودالسلطان** و **منیره خانم** است.

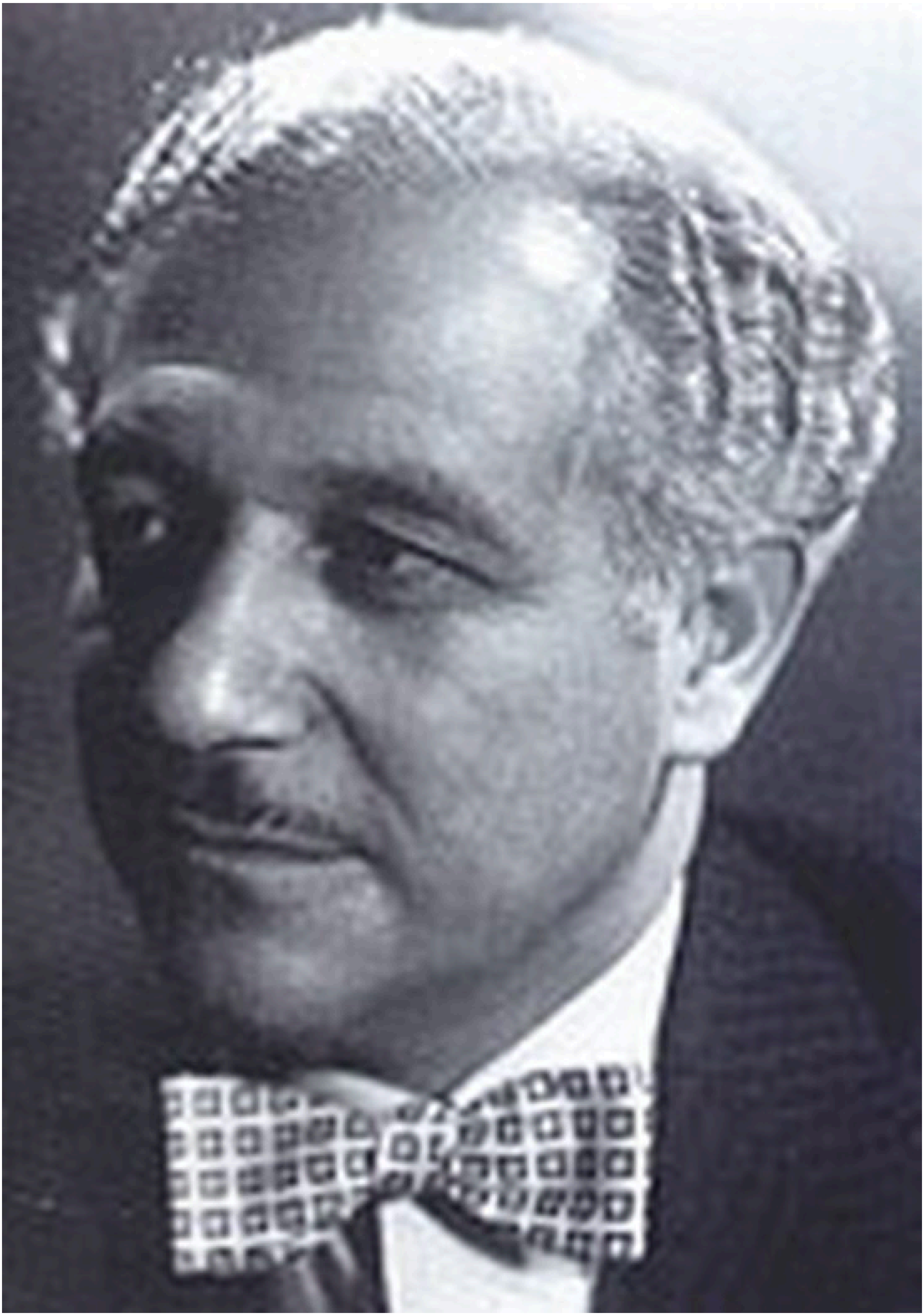


عليمحمد خان موقرالدوله باليوزي

***علي‌محمد خان موقرالدوله* (1339-1282 ق./ 1921-1865 م.) از نامدارترين چهره‌هاي تاريخ بهائيت و از عناصر مؤثر بر تحولات سياسي ايران در سال‌هاي جنگ اوّل جهاني و پس از آن است.** او، كه هم‌نام باب بود و به اين دليل فقط «علي آقا» خطابش مي‌كردند، [58] از كارمندان سفارت بريتانيا در تهران بود. مدتي در وزارت خارجه ايران كار مي‌كرد و در سال 1898 سركنسول ايران در بمبئي شد، در سال 1900 «باليوز» (كنسول) بريتانيا در بوشهر بود و در سال‌هاي 1911-1915 **حاكم بوشهر و بنادر**. با وقوع كودتاي 3 اسفند 1299، موقرالدوله در دولت سيد ضياءالدين طباطبايي وزير فوائد عامه و تجارت و فلاحت شد ولي اندكي بعد در اوائل سال 1300 ش. درگذشت. جسدش «در يكي از حجرات شاه عبدالعظيم در جنب حجره مجدالدوله مدفون گرديد.» [59] عباس افندي (عبدالبهاء) درباره‌اش چنين نوشته:

«حضرتش از فروغ سدره منتهي و منتسب آستانه حضرت اعلي روحي له الفداه بود. از بدو طفوليت آثار نباهت و ذكاء و دلايل درايت و نهي در روي مباركش ظاهر و هويدا، در مهد شيرخوار بود كه آيات علويت از جبينش نمودار تا آن‌كه به سن مراهق رسيد...» [60]

در حوالي سال 1339 ق./ 1920 م. برادرزاده موقرالدوله به‌نام **ميرزا عبدالحسين خان**، پسر ميرزا احمد خان مسعودالسلطان، مدتي **حاكم بندر عباس** بود. [61]



حسن باليوزي، پسر موقرالدوله

موقرالدوله پدر حسن موقر باليوزي است. حسن باليوزي در 16 شهريور 1287 ش./ 7 سپتامبر 1908 م. در شيراز به دنيا آمد. مادرش، منور خانم، نيز از تبار ميرزا ابوالقاسم سقاخانه‌اي، برادر زن باب، بود. باليوزي در سال 1300 ش.، پس از مرگ پدر، «موقرالدوله» لقب گرفت. تحصيلاتش را در بيروت و انگلستان به پايان برد و در بخش مهمي از عمر خود ساكن لندن و در سال‌هاي 1937-1960 رئيس محفل ملّي روحاني بريتانيا بود. شوقي افندي، رهبر بهائيان، اندكي پيش از مرگ در لندن (1957)، باليوزي را، كه خويشاوند نزديكش بود، به‌عنوان يكي از «ايادي امرالله» منصوب كرد. [62]

باليوزي سازمان‌دهنده اوّلين كنگره جهاني بهائيان بود كه در 8 ارديبهشت 1342، با شركت پانزده هزار نفر، در لندن برگزار شد. از ايران هزاران زن و مرد بهائي، با تسهيلات ويژه‌اي كه دولت امير اسدالله علم فراهم آورد، به اين كنگره اعزام شدند. اين امر اعتراض شديد امام خميني را برانگيخت. ايشان در نامه‌هاي خود (ارديبهشت 1342) به علماي يزد و همدان و كرمان و اردكان و ساير بلاد نوشتند:

«از چيزهايي كه سوءنيت دولت حاضر را اثبات مي‌كند، تسهيلاتي است كه براي مسافرت دو هزار نفر يا بيش‌تر از فرق ضاله قائل شده است و به هر يک پانصد دلار ارز داده‌اند و قريب 1200 تومان تخفيف در بليت هواپيما داده‌اند، به مقصد آن‌كه اين عده در محفلي كه در لندن از آن‌ها تشكيل مي‌شود و صد در صد ضداسلامي است شركت كنند.» [63]

حسن موقر باليوزي بنيانگذار و اولين مدير و گوينده بخش فارسي راديو BBC است كه در 29 دسامبر 1940/ 8 ديماه 1319 آغاز به‌كار كرد. در همين زمان، يكي ديگر از اعضاي خاندان افنان، به‌نام نير افنان، بخش فارسي راديو اسرائيل را، كه در آن زمان راديو بيت‌المقدس خوانده مي‌شد، راه‌اندازي كرد. [64] حسن باليوزي در 23 بهمن 1359/ 12 فوريه 1980 در لندن درگذشت. او مؤلف بيوگرافي عبدالبهاء به انگليسي است و در اواخر عمر زندگي خديجه بيگم، زن باب، را مي‌نوشت كه ناتمام ماند. پسرش، رابرت باليوزي، در سال بعد اين كتاب را تكميل و با نام خديجه بيگم، حرم حضرت اعلي منتشر كرد. [65] فريدون آدميت، كه باليوزي را از نزديک مي‌شناخت، در ديدار 14 دي 1374 به من چنين گفت:

«باليوزي شخصاً مرد خوبي بود ولي از مريدان سفت و سخت بهاءالله بود و در كتاب خود بهاء را در رديف زرتشت و بودا و موسي و عيسي و محمد [ص] مطرح كرد و من عليه او مطلبي نوشتم.» [+]

زن باب، خديجه بيگم، خواهري به‌نام **زهرا بيگم** (متوفي 1307 ق.) داشت كه با ميرزا زين‌العابدين، پسرعموي ميرزا محمدرضا بزاز (پدر باب)، ازدواج كرد. **آقا ميرزا آقا افنان** (متوفي 1321 ق.) حاصل اين وصلت است. ميرزا آقا از نزديكان بهاء و عبدالبهاء بود. او به دستور عباس افندي (عبدالبهاء) در سال 1321 ق. «بيت مبارک»، يعني خانه باب، را بازسازي كرد و به زيارتگاه بدل نمود و خود و اعقابش متولي اين خانه شدند. حبيب‌الله افنان اعلايي (متوفي 1330 ش. در شيراز)، نويسنده تاريخ امري شيراز، پسر اوست. [66]

عبدالله شهبازي

جمعه، 7 آبان 1389/ 29 اکتبر 2010

شيراز

42. «به صداق مبلغ دويست تومان تبريزي نقد به قرار روپيه بيست و هشت نخودي عددي يکهزار دينار رايج المعامله شيراز سکه مبارکه محمدشاهي و...» (فيضي، خاندان افنان، ص 160)

43. عکس قباله ازدواج ميرزا علي‌محمد شيرازي (باب) و خديجه بيگم ظاهراً اوّلين بار در عالم بهائي (ج 5، ص 93) منتشر شد. متن و تصوير آن در کتاب فيضي (خاندان افنان، صص 158-161) درج شده.

44. فيضي، خاندان افنان، ص 262.

45. همان مأخذ، ص 242.

46. همان مأخذ، ص 244.

47. فسايي، فارسنامه ناصري، ج 2، ص 954.

48. همان مأخذ، ج 2 ص 955.

49. رکن‌زاده آدميت، دانشمندان و سخن‌سرايان فارس، ج 2، صص 230-231.

50. همان مأخذ، ج 3، صص 62-63.

51. فيضي، خاندان افنان، صص 247-255.

52. همان مأخذ، صص 259-262.

53. فسايي، فارسنامه ناصري، ج 2، ص 1132.

54. فيضي، خاندان افنان، صص 273-277.

55. همان مأخذ، ص 277.

56. همان مأخذ، صص 278-282.

57. همان مأخذ، ص 262.

58. همان مأخذ، ص 263.

59. همان مأخذ، ص 266.

60. همان مأخذ، ص 267.

61. فاضل مازندراني، تاريخ ظهورالحق، ج 8، ق 1، ص 585.

62. «حسن باليوزي»، بهائی‌پديا، دانشنامه بهائي. [+]

63. سيد حميد روحاني، نهضت امام خميني، ج 1، صص 436، 439، 444.

64. مرضيه يزداني، اسناد مهاجرت يهوديان ايران به فلسطين 1300-1330 ش.، تهران: سازمان اسناد ملّي ايران، 1374، ص 72.

65. اين كتاب را، كه اثري تبليغاتي است، در سال 1991 انتشارات جرج رونالد آكسفورد منتشر كرد. مينو ثابت با نام "بهاءالله، شمس حقيقت" آن را به فارسي ترجمه كرده است.

66. فيضي، خاندان افنان، صص 197-214.